

انقلاب اسلامی و تحول مفهومی حقوق شهروندی در ایران

علی فقیه حبیبی*

چکیده

حقوق شهروندی از جمله مفاهیمی است که در حوزه حقوق عمومی و علوم سیاسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، تا جایی که مفهوم شهروندی در طول تاریخ و در حوزه اندیشه‌های سیاسی همواره سهم به‌سزایی را به خود اختصاص داده است. به نظر می‌رسد که این مفهوم همواره یک مفهوم پایدار و ثابت نبوده، بلکه جریان‌های سیاسی و متغیرهای تاریخی بر باز تعریف آن تأثیرگذار بوده است. همچنین انقلاب اسلامی و اندیشه‌های بنیانگذار آن، امام خمینی (ره)، نیز به شکلی اساسی ماهیت و روندهای حقوق شهروندی در ایران را تغییر داد. این پژوهش تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر مفهوم و حوزه‌های عمومی حقوق شهروندی را بررسی می‌کند. سوال محوری این است که انقلاب اسلامی ایران چه تاثیری بر تحول مفهومی و روندهای عمومی حقوق شهروندی در جامعه ایران داشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی از دو زاویه بر تحول مفهومی و روندهای حقوق شهروندی تأثیرگذار بوده است. نخست، با گسترش سازوکارهای مشارکت مردمی، روندها و حوزه‌های حقوق شهروندی را گسترش داد. و دوم، با برجسته شدن نقش مذهب در سیستم سیاسی جمهوری اسلامی، مذهب به‌عنوان یک متغیر اساسی مردم‌سالاری را در بطن تحولات اجتماعی ایران نهادینه کرده است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی، و روش گردآوری داده‌ها منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

کلیدواژه‌ها: حقوق شهروندی، انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، مردم‌سالاری، اسلام.

۱. مقدمه

حقوق شهروندی به عنوان یکی از حوزه های حقوق عمومی، از جایگاه قابل توجهی در نظام های دینی و غیر دینی برخوردار است، تا جایی که سهم قابل توجهی در تاریخ اندیشه های سیاسی دارد و در دیدگاه فکری اندیشمندانی همچون، لاک، رسو، کانت و سایر اندیشمندان نمود پیدا کرده است. از طرف دیگر، امروزه نیز اهمیت حقوق در دو سطح داخلی دولت ها و بین المللی به شکل اساسی نمود پیدا کرده است. در واقع، رویه دولتها برای گسترش حقوق شهروندی در چهارچوب هایی همچون انتخابات و همچنین توجه جامعه بین المللی به مسائلی همچون حقوق بشر و شکل گیری نهادهایی برای افزایش حقوق شهروندی، این ادعا را اثبات می نماید. با وجود این، در جوامع کنونی درک یکنواختی از مفهوم شهروندی و حقوق ناشی از آن شکل نیافته است. به طوری که علی رغم اتحاد نظر در کلیات در هنگام مصداق نمایی، هریک از مشارب فکری بنا به جهت گیری خود خوانشی افتراقی از حقوق شهروندی دارند(عباسی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱).

از طرف دیگر، وقوع انقلاب در هر جامعه ای همراه با تحولات بنیادین و تغییرات سریع در آن جامعه است. انقلاب اسلامی هم با پیروزی خود ساختارها، ارزشها و تعاریف جدیدی از موضوعات و مفاهیم حقوقی عرضه کرد، که به شکل اساسی باعث باز تعریف حقوق شهروندی در جامعه ایران شده است. در این راستا، امام خمینی(ره) به عنوان بنیان گذار این انقلاب مردمی در مصاحبه ها و سخنرانیهای خود بارها به این موضوع اشاره کرده اند و این امر نشان می دهد حقوق شهروندان جایگاه مهمی در اندیشه و سیره ایشان داشته است. در همین راستا می توان به فرمان هشت ماده ای که ایشان در سال ۱۳۶۱ خطاب به مسئولین اجرایی و قضایی صادر کردند اشاره نمود، که صریح ترین دیدگاه ایشان در خصوص موازین این موضوع مهم برای جامعه است. در این راستا، با توجه به اهمیت موضوع این پژوهش با یک رویکرد جامع تاثیر انقلاب اسلامی ایران را بر تحول مفهومی و روندهای عمومی در حقوق شهروندی مورد بررسی قرار می گیرد.

سوال محوری این پژوهش بر این مبنا است که، انقلاب اسلامی ایران چه تاثیری بر تحول مفهومی و روندهای عمومی حقوق شهروندی در جامعه ایران داشته است؟ فرضیه پژوهش بر این مبنا است که، انقلاب اسلامی ایران از دو زاویه بر تحول مفهومی و روندهای حقوق شهروندی تاثیر گذار بوده است. نخست، انقلاب اسلامی با گسترش سازوکارهای مشارکت مردمی، روندها و حوزه ها حقوق شهروندی را گسترش داد. و دوم، با برجسته شدن نقش مذهب در سیستم سیاسی جمهوری اسلامی، مذهب به

عنوان یک متغیر اساسی مردم سالاری را در بطن تحولات اجتماعی ایران نهادینه نموده است. در این راستا، برای بررسی موضوع پژوهش، در ابتدا مفهوم شهروندی و ابعاد آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت، و سپس در ادامه ابعاد حقوق شهروندی اسلام و در اندیشه های بنیانگذار انقلاب اسلامی مورد تجزیه و تحلیل واقع خواهد شد.

۲. چهارچوب نظری: شهروندی؛ ابعاد و مفاهیم

شهروندی یکی از ابعاد هویت سیاسی می باشد و شهروندی مفهومی است که در یونان باستان ریشه دارد. در این راستا، در یونان باستان، شهروند بعنوان عضو جامعه سیاسی بود، و در نتیجه حقوق و ویژگی های شهروندی اهمیت مضاعفی یافت که در نظریات مختلف مطرح شد. به طور کلی، به رغم تحولات شهروندی در طول تاریخ و پیدایش مفاهیم و نگرش های مختلف درباره آن، می توان از منظری کلان تمامی دیدگاههای شهروندی را به مسئله جایگاه فرد در یک نظام سیاسی ارجاع کرد (بهرروز لک، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

در دایره المعارف فلسفه استنفورد، در تعریف شهروندی به اختصار آمده است که شهروند عضو یک اجتماع سیاسی است که بهره مند از حقوقی است که البته وظایف عضویت نیز برای او محفوظ است. در این تعریف، شهروند با یک اجتماع سیاسی پیوند خورده است. این گونه جا افتاده که منظور از اجتماع سیاسی، یک دولت سرزمینی و یک حاکمیت است. پیوندی ناگسستنی بین اجتماع سیاسی و دولت -ملت با فضای جغرافیایی ملی برقرار است. به همین دلیل است که بسیاری شهروندی را با ملیت همسان می گیرند. یعنی بایستی دولتی، سرزمینی و مرزی باشد تا بتوان از حقوق شهروندی سخن به میان آورد» (افروغ، ۱۳۸۷: ۱۸).

در تعریف شهروند می توان گفت که شهروند کسی است که حقوق فردی و جمعی خود را می شناسد. و از آنها دفاع می کند، قانون را می شناسد و به آن عمل می کند و از طریق آن مطالبه می کند، از حقوق معینی برخوردار است. می داند که فرد دیگری هم حضور دارد و دفاع از حقوق او یعنی دفاع از حقوق خودش و فردی که در امور جامعه مشارکت دارد. پس شهروند نه تنها به معنای سکونت در یک شهر به مدت مشخص که به معنای مجموعهایی از آگاهی های حقوقی، فردی و اجتماعی است. بعضی از صاحب نظران شهروند را اینگونه تعریف می کنند: «شهروند به افرادی اطلاق می شود که تابعیت کشوری را دارا می باشند و به تبع این وابستگی از حقوق و مزایایی برخوردار می شوند که در قانون اساسی و سایر قوانین عادی آن کشور به تصویب رسیده است. و به عنوان منزلتی اجتماعی در نگرش به جامعه مدنی تلقی می شود که

به موجب آن امکان برخورداری از حقوق و قدرت را فراهم می‌کند» (محسنی، ۱۳۸۹: ۲).

وستهایمر و کاهن (Westheimer and Kahne)، اندیشمندانی که به سه نوع شهروندی اشاره می‌کنند: نخست شهروند شخصا مسئول را بیان می‌کنند که منظور از آن شهروندی است که در جامعه به طور فردی فعالیت می‌کند. از برخی از نمونه‌های رفتاری چنین افرادی می‌توان به جمع کردن زباله‌ها و تلاش برای تمیزی محیط زندگی، فداکاری و ایثارگری، و غیره می‌توان اشاره کرد. «شهروندان شخصا مسئول افرادی هستند که داوطلبانه به دیگران کمک می‌کنند و رفتارهای خیرخواهانه دارند. مثلا در شرایط بحرانی مانند سیل و زلزله به افرادی که گرفتار شده‌اند، کمک می‌نمایند. همچنین کار می‌کنند و مالیات خود را می‌پردازند، و از قوانین پیروی می‌کنند» (خوینی، ۱۳۸۶: ۴۰-۳۸).

نوع دیگری از شهروندی که آنها بدان اشاره کرده‌اند، شهروند مشارکتی است. در این نوع از شهروندی، «شهروند فعال فردی است مشارکت جو که سرنوشت محیطی که در آن زندگی می‌کند برای او در سلسله مراتب ارزشی جایگاه والایی داشته و او تلاش می‌کند تا با مشارکت فعال و داوطلبانه خود چنین سرنوشتی را بیشتر به سعادت و خوشبختی نزدیک کند» (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۸۷). این نوع از شهروندان کسانی هستند که فعالانه در امور مدنی و زندگی اجتماعی در سطح محلی و ملی مشارکت می‌کنند. البته بسیاری از افراد هم به علت بیکاری، فقر، تبعیض نژادی و جنسی از مشارکت کامل در جامعه محروم هستند. طرفدارن شهروندی مشارکت جو، استدلال می‌کنند که مشارکت مدنی فراتر از مشکلات با فرصت خاص در جامعه می‌باشد. شهروند مشارکت جو، همچنین ارتباطات، ادراکات مشترک، اعتماد و تعهدات جمعی را توسعه می‌دهد.

صاحب نظران دیگر برای شهروندی مولفه‌هایی قائل هستند. فالکس (Faulks)، مسئولیت‌پذیری، بسط ارتباطات انسانی، کل‌نگری، احترام به اصول اخلاقی و توماس دی (Tomas Dee)، مشارکت، تعاون، همکاری و دانایی محوری را از ویژگی‌های شهروندی می‌دانند. منکلر (Minkler)، احساس تعهد، برابری، کنجکاوی و ترقی‌طلبی، اطاعت از قانون، توجه به نفع عمومی، مشارکت و غیره را از ویژگی‌های شهروندی می‌داند. از پایه‌های مفهوم شهروندی می‌توان موارد ذیل را بیان کرد: اندیشه ورزی و ژرف‌اندیشی، سعه صدر و تحمل اندیشه‌های مخالف، قانون‌گرایی و قانون‌پذیری، احساس خود ارزشمندی و عزت و اعتماد به نفس، تمایل به رقابت سازنده، عدم تمکین به روابط مبتنی بر قدرت مستبدانه، تقویت روحیه پرسشگری و کنجکاوی، تمایل به تفکر خلاق در حل مسائل مبتلا به محیط پیرامون، توانایی و جرات در ابراز

اندیشه از ویژگی هایی است که به عنوان پایه های مفهوم شهروندی قلمداد می شود (مهر محمدی، ۱۳۷۷: ۳۲-۲۱).

از نظر کانت هم اموری هست که به عنوان صفات ذاتی و تفکیک ناپذیر یک شهروند به شمار می آید: «نخست، اختیار قانونی است که شهروند از هیچ قانونی اطاعت نمی کند، مگر قانونی که خود با آن موافقت کرده است. دومین موردی که ایشان به عنوان صفات ذاتی و تفکیک ناپذیر یک شهروند معرفی می کنند تساوی مدنی است به این معنی که شهروند با دیگران در وضعیت مساوی قرار دارد و هیچ تبعیضی میان شهروندان روا داشته نمی شود. سومین ویژگی استقلال مدنی است. هستی و بقای شهروند در جامعه ناشی از گزینش افراد دیگر نیست، بلکه نتیجه حقوق و استعدادهای خاص خود او به عنوان عضو جامعه مشترک المنافع است» (عیوضی، ۱۳۹۱: ۱۹۲).

در نهایت، از دیدگاه این پژوهش، هر نظام سیاسی بر اساس ماهیت، اهداف و ارزش های خود، مولفه های متفاوتی را برای حقوق شهروندی به رسمیت می شناسد و تعریف ویژه خود را از حقوق شهروندی ارائه می دهد. در واقع، شهروندی را معمولا قانون معین می کند. در سنت جمهوری خواهی، صلاحیت کسب شهروندی به حقوق و وظایف خاص شهروندان بستگی دارد. صلاحیت و شرایط شهروندی منعکس کننده مفهوم اهداف جامعه سیاسی و دیدگاهی است که بر اساس آن اشخاص قادر به سهیم شدن در خیر مشترک، برخورداری از منافع آن و کمک به آزادی شهر می شوند. گرچه مفهوم شهروندی ممکن است به موقعیت تفویض شده قانون اشاره کند، اما می تواند این نظر را نیز طرح کند که اشخاص در نتیجه موقعیت خود در درون یک جامعه یا حوزه سیاسی می توانند مستحقق حقوقی نیز باشند. بر اساس این دریافت، افراد به واقع در نتیجه مشارکت در یک زندگی مشترک، حقوق و ظایفی پیدا می کنند (McLean, 1993: 69).

همچنین، همانطور که کاستلز و آلیستز نیز عنوان می کنند، از دیدگاه کاستلز و آلیستز، عضویت افراد در جوامع دموکراتیک مدرن، با موقعیت شهروندی آنها نشان داده می شود. افرادی که به یک دولت-ملت خاص تعلق دارند، دارای اسناد مدارکی هستند که عضویت آنها را در آن دولت ملت تایید می کند. از همه مهتر اینکه، شهروندان دارای مجموعه گسترده ای از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی هستند. در این میان، یکی از اساسی ترین حقوق، حق مشارکت در قانونگذاری و حکومت است که شهروند فعال، بعنوان مبنای حاکمیت مردمی بر پایه آن شکل می گیرد. این حقوق، در مقابل با مجموعه ای از تعهدات در قبل جامعه و دولت متوازن می شوند (کاستلز و آلیستز، ۱۳۸۲: ۲۱). در این راستا، به نظر می رسد که تحولات تاریخی جامعه ایران، و

بخصوص انقلاب اسلامی ایران به صورت اساسی مفهوم و ابعاد شهروندی را از خویش متاثر نموده است. در نتیجه، با توجه به تفاوت های فرهنگی و اساسی جامعه ایران با جامعه غربی، نمی توان مفهوم حقوق شهروندی را همان مفهومی در نظر گرفت که در غرب به عنوان حقوق شهروندی رایج است. در واقع، شهروندی در جامعه ایران تحول تاریخی خاص خویش را داشته است، که تفاوت اساسی با تکامل مفهوم شهروندی در جوامع غربی دارد. اما انقلاب اسلامی ایران به شکل اساسی باعث شکل گیری مفهوم جدیدی شد، که هم در مفهوم و هم در ابعاد، با شهروندی غربی تفاوت اساسی دارد. این مفاهیم و ابعاد، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز اندیشه های بنیانگذار آن به شکل اساسی نمود پیدا کرده است.

به عبارت دیگر، التزام به حقوق شهروندی از طرف حاکمیت و توده ملت اصلی ترین شاخصه توسعه انسانی پایدار در جهان است. از نگاه اسلام هم با توجه به مبانی و اهداف الهی و اسلامی، ملتزم شدن به حقوق شهروندی تحت عنوان خلیفه الله در جوامع اسلامی مطرح است. کرامت ذاتی انسان و طهارت عمومی بشر از سوی خداوند جهت برقراری جامعه توحید محور و همزیستی مسالمت آمیز به ودیعت نهاده شده است. هرچه پایبندی به حقوق شهروندی و رابطه آن بین حاکمیت، دولت و توده ملت بیشتر و منسجم تر باشد نشان از توسعه پایدار و عدم شکاف توده ملت با دولت است (خزائی، ۱۳۹۵: ۷۳). در این راستا، براساس مبانی حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران، شهروندان از حق حیات برخوردارند و این حق را نمی توان از آنها سلب کرد. شهروندان از حق زندگی شایسته و لوازم آن همچون آب بهداشتی، غذای مناسب، ارتقای سلامت، بهداشت محیط، درمان مناسب، دسترسی به دارو، تجهیزات، کالاها و خدمات پزشکی، درمانی و بهداشتی منطبق با معیارهای دانش روز برخوردارند و حق دارند از محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی و دینی و تعالی معنوی بهره ببرند. شهروندان از کرامت انسانی و تمامی مزایای پیش بینی شده در قوانین و مقررات بهره مند بوده و حیثیت و اعتبار آنها مصون از تعرض است (روحانی، ۱۳۹۵: ۱-۲).

۲. پیشینه حقوق شهروندی در ایران

برخی از کارشناسان ایران باستان را پایه گذار حقوق شهروندی در جهان می دانند و به منشور صادر شده از سوی کوروش، پادشاه هخامنشی، که بسیاری از مبانی اولیه حقوق بشر و شهروندی را مورد تاکید قرار داده است استناد می کنند. کوروش در این منشور برده داری را ممنوع اعلام کرده و به بازگرداندن همه اسیران و بردگان به سرزمین های متبوعشان دستور داده است. در عصر داریوش هخامنشی نیز شاهد یک

قانون جامع هستیم که به دادنامه داریوش شهرت یافته است. سلسه مقررات آیین زردشت که وندیداد نامیده می شود. مبتنی بر همین دادنامه است. (علیا، ۱۳۹۰: ۱۴-۱۳). اما علی رغم موارد خاص قابل توجه در احیای حقوق شهروندی در جامعه ایران، به نظر می رسد که حقوق شهروندی به صورت گسترده در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، در جامعه ایران به شکل واقعی نمود نداشته است.

در این راستا، قدرت شاهنشاهان چه در ایران باستان و چه در دوران بعد از اسلام محدود نبوده است. تنها عاملی که قدرت اجرایی آنان را می توانست محدود نماید، دستورهای دینی و سنت و اخلاق و احیاناً سازمان هایی همچون شورای سلطنت و مجالس نجبا و اشراف بود. در واقع، نظام شاهنشاهی و پادشاهی حاکم بر ایران چندان توجهی به آراء و حقوق مردم نمی کرده است. اما یکی از مشهورترین اسناد مربوط به حقوق شهروندی در دوران معاصر، فرمانی است که در زمان ناصرالدین شاه توسط امیرکبیر اعلام شده است که در آن به رعایت حقوق مردم توسط حاکمان و نمایندگان آنها تأکید شده است (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۸: ۸-۷).

این روند تقریباً تا قرن دوازدهم هجری ادامه داشت از این دوره به بعد، متاثر از برقراری ارتباط اقتصادی و سیاسی جامعه داخلی با کشور های اروپای، و تأثیر انقلاب صنعتی غرب در اوضاع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ایران از یک سو و عوامل داخلی همچون سیاست داخلی و قیام های نظامی طوایف و سران ایل و حکام محلی از سوی دیگر، زیر بنای تغییر نظام سیاسی در ایران را فراهم ساخت. در نتیجه، نهضت های عمومی قرن چهارده، به حکومت مطلقه ی شاهان ایران خاتمه داد و سلطنت مشروط و محدود به قانون ملی جایگزین آن گردید. در این راستا، نهضت تاریخی و انقلابی ایران در آغاز قرن چهاردهم و به دنبال آن صدور فرمان مشهور مورخ ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ هجری قمری از طرف مظفرالدین شاه، سر آغاز فصل نوینی در تاریخ حکومت ایران گردید. در نتیجه، حقوق ملت و اصول حکومت به موجب قانون اساسی به تصویب مجلس رسید (حقوق شهروندی در ...، ۱۳۹۰) هر چند در ادامه، این روند با چالش روبرو شد، که منجر به ظهور استبداد صغیر، درگیری های مجلس و در نهایت ظهور رضاخان شد. در نتیجه، ظهور رضاخان و شکل گیری نظام سیاسی پهلوی، منجر به شکل گیری یک نظام اقتدار گرا با محوریت کاهش حقوق شهروندی به نفع نظم سیاسی شاهنشاهی شد که در دوره محمد رضا پهلوی نیز تداوم یافت. اما این فرایند، با وقوع انقلاب اسلامی ایران با یک تغییر اساسی در ماهیت و ابعاد حقوق شهروندی مواجهه شد. به طور کلی، در تحول مفهوم حقوق شهروندی دو عنصر از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است، نخست اسلام که به عنوان عنصر اساسی انقلاب

اسلامی ایران، باعث باز تعریف حقوق شهروندی در جامعه ایران شده است، و دوم، اندیشه های سیاسی امام خمینی که به عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی، تاثیر قابل توجهی بر این تحول داشته است.

۳. وضعیت حقوق شهروندی در دوره پهلوی

در دوران سلطنت ۵۷ ساله رژیم پهلوی، مردم از هیچگونه جایگاهی در نظام سیاسی و اجتماعی کشور بر مبنای حقوق شهروندی برخوردار نبودند. فرایند مشارکت سیاسی و حقوق سیاسی مردم در زمان رژیم پهلوی کاملاً فرمایشی و ظاهری بود و کنش مدنی ملت ایران هیچ اهمیتی برای دربار پهلوی نداشت. رژیم پهلوی می‌کوشید از حضور مردم برای کسب مشروعیت و باز بودن فضای سیاسی خود بهره برداری سیاسی کند. به عبارتی دیگر، اراده ملت مخالف منافع غرب و رژیم شاهنشاهی بود (قره باغی، ۱۳۶۸: ۴۶) و به همین دلیل، فعالیت‌های مردم به شدت پایش و مورد رصد نیروهای امنیتی و انتظامی قرار داشت و تلاش بر این بود، مشارکت سیاسی مردم را مدیریت شود. در این راستا، براساس مشاهدات هندرسن سفیر آمریکا در ایران در دوران پهلوی، لیست نامزدهای انتخاباتی براساس منافع دولت جابجا می‌شد (نجاتی، ج ۱، ۱۳۷۷: ۳۴۰-۳۳۷). در همین رابطه حسین فردوست می‌گوید: «پس از بررسی صلاحیت امنیتی و مطالعاتی این افراد، ترتیب انتخاب این اسامی داده می‌شد و به صورتی ظاهری، نام آنها از صندوق آرا بیرون می‌آمد.» (فردوست، ۱۳۸۲، ج ۱، ۲۵۷). در زمان پهلوی دوم، انتخابات مجلس به صورت مستقیم تحت اختیار شاه بود تا مطمئن شود که مجلس به شخص وی وفادار خواهد بود و نتیجه آن مجلسی بود که دیگر چیزی جز مَه‌ری برای تأیید تصمیم‌های شاه نبود.

در دوره پهلوی مساله سانسور قدرت گرفت و تراوشات فکری متوقف شد. سانسور اجازه نمی‌داد تبادل فکری صورت گیرد و محیط را با خفقان کامل حفظ می‌کرد. شهربانی و سازمان اطلاعات و امنیت کشور - ساواک - تا سال ۱۳۴۵ به جمع آوری کتبی که مناسب تشخیص داده نمی‌شد می‌پرداختند و عنداللزوم نویسنده و ناشر را بازداشت و یا تبعید می‌کردند و برای اطلاع از چنین کتاب‌هایی از مامورین خود به عنوان کارگر در چاپخانه‌ها استفاده می‌شد. مدیران چاپخانه‌ها موظف بودند در صورت مراجعه نویسندگان و ناشران "ناباب" گزارش دهند و از چاپ آثار آنها خودداری کنند (صمیمی، ۱۳۶۸: ۲۲۵).

آزادی اندیشه و بیان که پایه و اساس رشد و شکوفایی اجتماع است چنان مورد تهاجم قرار گرفت که سکوت جای آن را گرفت و مردم را از فکر خلاق و سازنده دور کرده و

مظاهر پلیدی و تباهی را قدرت بخشید. در رژیم پهلوی، سانسور عمدتاً جهت‌گیری سیاسی داشت نه اخلاقی. کتاب، فیلم، روزنامه، رادیو و تلویزیون، همه تحت رژیم سانسور قرار داشتند. برای کتاب‌های ممنوعه لیستی تهیه کرده بودند که انتشار مجدد آنها امکان نداشت. حتی نگهداری و خواندن آنها جرم محسوب می‌شد و قابل مجازات بود. اساساً تعدادی از زندانیان سیاسی فقط به همین دلیل محکومیت یافته بودند که یکی از کتب ممنوعه را در اختیار داشتند و یا آن را به دیگری به امانت داده بودند. در سال ۱۳۴۹ تعداد ۳۷۶۰ عنوان کتاب منتشر شد. این رقم در سال ۱۳۵۷ به ۱۷۵۰ عنوان رسید یعنی ۲۰۰۰ عنوان کمتر شد و این سیر نزولی همواره وجود داشت. کتاب‌هایی هم که منتشر می‌شد از لحاظ مسایل داخلی بی‌محتوا و غیرجذاب بود (مدنی، ۱۳۸۷، ج ۲، ۱۷۹-۱۷۶).

در بعد دیگر، رژیم پهلوی در راستای نوسازی شتابان و درهم ریختگی سیاست‌های فرهنگی خود، سعی در غربی‌سازی جامعه ایران برای پیشبرد مقاصد خود داشت و در این مسیر، به فرهنگ و اعتقادات مردم هیچ توجهی نداشت و صرفاً تلاش داشت تا ایران را به شکل و شمایل غرب در بیاورد. در این راستا، تلاش‌های زیادی برای متحدالشکل کردن لباس آقایان، کشف حجاب، حضور زنان در مهمانی‌های دربار، توهین به مقدسات، ممنوع‌المنبر ساختن روحانیت و... انجام داد که همه این رویدادها برخلاف سنت‌ها و فرهنگ بومی و دینی مردم ایران بودند. تحت فشار قرار دادن مردم برای دوری از فرهنگ و اصالت آنها یکی از مصادیق ناامنی شخصی در رژیم پهلوی محسوب می‌شود که منجر به آزاد و اذیت مردم متدین می‌شدند. علاوه بر آن برنامه‌های رژیم برای غلبه فرهنگ غیر اخلاقی و بی‌بندوباری غربی و تمامی بخش‌های هنری کشور اعم از سینما، تئاتر، تلویزیون و... منجر به تخریب اعتقادات مردم شد و تلاش در راستای ترویج قمار، شرابخواری، مواد مخدر و... در تضاد با فرهنگ اصیل ایرانی بودند (مجتبی زاده، ۱۳۸۶: ۴۲-۳۷). در دوران پهلوی، گسترش فساد و ابتذال در جامعه به راحتی قابل رویت بود و ایجاد مراکز فحشا و فساد در جامعه، بی‌بندوباری، استفاده ابزاری از زنان و استفاده از آنان در فعالیت‌های اجتماعی نامناسب، تشکیل مجالس عیش و نوش، تبلیغ اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی و ایجاد مراکز قمار، برپایی جشن‌های سلطنتی مبتذل با هزینه‌های گزاف و تبلیغات بسیار کاملاً مشاهده می‌شد (فولاد زاده، ۱۳۶۹: ۳۰۹-۳۰۶). در این راستا می‌توان استدلال کرد که حقوق شهروندی و ملت از جایگاه بالایی در نظام سیاسی سلطنت پهلوی برخوردار نبوده است.

۴. جایگاه حقوق شهروندی در اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره)

همانطور که ذکر شد، انقلاب اسلامی نه تنها در حوزه عملی، بلکه در حوزه مفهومی نیز باعث تحول در حقوق شهروندی شده است، که این تغییر به خوبی در اندیشه‌های بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران امام خمینی (ره) نمود پیدا کرده است. در واقع، هر چند اسلام به عنوان محور اصلی در انقلاب اسلامی ایران در تحول مفهوم حقوق شهروندی نقش ایفا نموده است، اما تفسیر و دیدگاه بنیانگذار انقلاب اسلامی بوده که توانسته به عنوان زیر بنای مفهوم حقوق شهروندی در جامعه ایران بعد از انقلاب اسلامی نقش ایفا نماید. در این راستا، در این بخش تحول مفهوم حقوق شهروندی در جامعه ایران متأثر از انقلاب اسلامی، در اندیشه‌های بنیانگذار آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سیره نظری- عملی امام خمینی (ره) چه در دوران مبارزات و چه پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی بر محور حفظ حقوق شهروندان بوده است. ایشان به عنوان بنیان‌گذار یک انقلاب مردمی در مصاحبه‌ها و سخنرانیهای خود بارها به حقوق مردم اشاره کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد حقوق مردم جایگاه مهمی در اندیشه و سیره ایشان داشته است. در همین راستا می‌توان به فرمان هشت ماده‌ای که ایشان در سال ۱۳۶۱ خطاب به مسئولین اجرایی و قضایی صادر کردند اشاره نمود که صریح‌ترین دیدگاه ایشان در خصوص موازین این موضوع مهم برای جامعه است «امام خمینی (ره)، نقش مردم را در راس تغییر و تحول جامعه می‌دانند. اشاره صریح ایشان به نقش مردم به ویژه مستضعفان و طبقه محروم در همه تحلیل‌ها هست. در کتاب صحیفه امام بیش از ده هزار بار کلمه مردم، نقش و، وظیفه آنان آمده و بیش از چهارده هزار بار واژه ملت و ملت ایران به کار برده شده است» (عبادی، ۱۳۹۶: ۲۹۵-۲۹۶).

شهروندی یکی از مفاهیم سیاسی است که در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) جایگاه مهمی دارد. «شهروندی دنیای مدرن غالباً با شهروند فرد محور پیوند خورده است. بر خلاف تفکر غربی، شهروندی در سنت اسلامی با پیوندهای اجتماعی امت اسلامی تقویت شده است. از این جهت، شهروندی در تفکر اسلامی با بعد جمعی حیات آدمی پیوند خورده و در نتیجه طبق تعالیم اسلامی فرد مسلمان تعهد جدی در جامعه و امت اسلامی دارد. چنین خصلتی سبب شده است که شهروندی و عضویت در جامعه اسلامی از سنخ شهروندی‌های عمیق و متعهدانه باشد. اما به رغم تعهدات جمعی فرد مسلمان، در سنت اسلامی، او از حقوق و امتیازات شهروندی نیز برخوردار است. کلیاتی از حقوق شهروندی در سنت اسلامی مورد بحث قرار گرفته است. در اندیشه امام خمینی (ره) که در بستر اندیشه اسلامی شکل گرفته است، شهروندی متعهدانه اسلامی، با حقوق شهروندی خاصی همراه گشته است. چنین حقوقی مبتنی بر

کرامت انسانی بوده و مانع از شکستن حرمت وی می شود. البته بر خلاف الگوی شهروندی در سنت فرد گرایی لیبرال، فرد مسلمان این حقوق را با تعهدات اجتماعی همراه ساخته است. از این جهت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) الگوی شهروندی را می توان از گونه الگوهای شهروندی فعال و متعهدانه تعریف و طبقه بندی نمود که هدف اصلی آن زمینه سازی سعادت انسانی و نیل وی به مقام کریم قرب الهی است. از این جهت شهروندی، تعهد اجتماعی و کرامت ابعاد مختلفی از حقوق افراد را در جامعه اسلامی رقم می زند» (متانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۸-۷).

حضرت امام (ره)، برای حفظ حقوق شهروندی بر اصول و مبانی اسلام همواره تاکید داشتند. کلام امام خمینی (ره) در موضوع رعایت حقوق شهروندی در ابعاد مختلف از جمله، توجه به حقوق جوانان، عدالت اجتماعی و منع تبعیض، توجه به حقوق زنان، حقوق شهروندان در انتخابات آزاد، حقوق اقلیت های مذهبی، آزادی بیان، توصیه به دولتمردان بر حفظ حقوق شهروندی و غیره قابل بررسی است. ایشان به جوانان می فرمایند: «شماها باید اسلام را معرفی کنید تا رژیمها و حکومتها بفهمند معنی حکومت و پاسداری از ملت را، تا جوامع بشری بدانند اسلام چه نحو حکومتی می خواهد، تا افکار غلطی که به واسطه عمال استعمار به جوانهای ما تحمیلی شده است تغییر کند. بکوشید و خود به احکام اسلام عمل کنید و دیگران را وادار به عمل کنید و پرده های ضخیمی که کجروان بر چهره نورانی اسلام افکنده اند برطرف کنید. ان شا الله تعالی خداوند به شما توفیق خواهد داد. شما جوانان تحصیل کرده در هر جا هستید وظایف خطیری دارید، وظیفه دفاع از اسلام که به عهده هر فرد مسلم است، وظیفه دفاع از میهن و استقلال آن که از وظایف حتمیه اسلامی است، وظیفه شناساندن اسلام بزرگ به جوامع بشری، چه از ناحیه طرز حکومت و بسط عدالت آن و چه از ناحیه رفتار والی مسلمین با ملت، و چه از کیفیت معامله والی با بیت المال مسلمین. و از جوانان، دختران و پسران، می خواهم که استقلال و آزادی و ارزشهای انسانی را، ولو با تحمل زحمت و رنج، فدای تجملات و بی بند و باری ها و حضور در مراکز فحشا که از طرف غرب و عمال بی وطن به شما عرضه می شود نکنند، که آنان چنانچه تجربه نشان داده جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن ذخائر شما و به بند استعمار و ننگ وابستگی کشیدنتان و مصرفی نمودن ملت و کشورتان به چیز دیگر فکر نمی کنند، و می خواهند با این وسایل و امثال آن شما را عقب مانده و به اصطلاح آنان نیمه وحشی نگه دارند» (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ۲۸۹).

با توجه به سخنان امام (ره) به نظر می رسد ایشان، شهروندی فعال متعهد را مد نظر قرار دارند. اگر مروری بر دیدگاه های ایشان داشته باشیم متوجه می شویم که از نظر

ایشان هر فرد مسلمان می بایست به صورت فعال و تعیین کننده در صحنه حضور داشته باشد. در تفکر ایشان افراد علاوه بر حق مشارکت فعال، یک وظیفه و تکلیف دینی نیز برای حضور فعال دارند. این امر باعث می شود تا فرهنگ مشارکتی فعال، متعهدانه نیز باشد. و همین تکلیف است که موجب حضور فعال و متعهدانه فرد در عرصه زندگی سیاسی می گردد. امام خمینی (ره) ضمن تاکید بر چنین تعهد و تکلیفی بیان می کنند: ما مکلف هستیم که اسلام را حفظ کنیم. این تکلیف از واجبات مهم است حتی از نماز و روزه واجب تر است. همین تکلیف است که ایجاب می کند خون ها در انجام آن ریخته شود. به نظر می رسد در نگرش امام خمینی (ره)، غایت شهروندی سعادت و تکامل بشری است که در پیوستن انسان به عالم قدسی حاصل می شود. لذا غایت نهایی خداوند است. در نهایت، آنچه از دیدگاه ههای امام خمینی (ره) نسبت به حقوق شهروندی می توان استنباط نمود بر این اصل اساسی است که، حقوق شهروندی در رویکرد امام خمینی (ره) متأثر از انسان شناختی اسلامی، یک مفهوم دینی است، و این حقوق بر مبنای تعالی انسان گذاشته شده است. در واقع، از منظر امام خمینی (ره)، لازمه ایفای حقوق شهروندی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و غیره، ایجاد شرایط مطلوب برای افراد جامعه در راستای رسیدن به تعالی در یک نظام اسلامی است. همچنین، به نظر می رسد که رویکرد امت محور اسلام، به صورت اساسی تمایزات میان فرد گرایی لیبرالی و امت محوری دینی را در دیدگاه های امام خمینی (ره) در باب حقوق شهروندی آشکار نموده است.

۵. تفاوت ماهوی حقوق شهروندی در اسلام و غرب

به نظر می رسد که انقلاب اسلامی ایران، علاوه بر تغییر ابعاد حقوق شهروندی، متأثر از عنصر اسلام، به شکل اساسی ماهیت حقوق شهروندی را نیز تغییر داده است. در واقع، انقلاب اسلامی با شعار بازگشت به دین و سنت های دینی در نیمه دوم قرن بیستم به دنبال در انداختن طرحی جدید برای زندگی انسان بود، طرحی که اگر جنبه های مثبت و پیشرفت های حقیقی زندگی جدید را می پذیرد، اما در کنار آن روح عبودیت را که توسط فرهنگ مدرنیته کنار گذاشته شده بود، دوباره مطرح می کند و درصدد پیاده کردن روح زندگی مومنانه در بستر زندگی جدید است. لذا با اخذ رویکرد قانون نویسی و قالب جمهوری برای حکومت، مفاهیم و پایه های اصلی زندگی را از دین اسلام اخذ می کند» (عصمتی و حسن زاده گرجی، ۱۳۸۹: ۱۱). در این راستا، در این بخش، رابطه جایگاه حقوق شهروندی در اسلام به عنوان چهارچوب نظم سیاسی جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار می گیرد.

در مدل شهروندی لیبرال (که از الگوی دولت- ملت مستنبط می شود) گونه ای اخلاق فردگرایانه حاکم است که به دلیل تاکید فراوان بر آزادی های شخصی از مسئولیت ها و فداکاری های اجتماعی ضروری، شانه خالی می کند. در این آموزه، هیچ گونه تعهد هنجاری به جامعه که بتواند میان این امر و برخورداری خصوصی، میانجیگری کند، به رسمیت شناخته نمی شود. در واقع، فرد گرایی لیبرالیسم، یک نگرش خودخواهانه و ابزارگرایانه را به حوزه شهروندی سرایت داده است. از این رو، شهروندی شیوه ای جهت افزایش نفع شخصی به شمار می آید (براتعلی پور، ۱۳۸۳: ۲۰۲).

اما بنیان های فکری نظام حقوقی اسلام، تلقی کننده ی الگوی صرف دولت- ملت نیست؛ آن را نامشروع می داند و نظام حقوقی جدیدی را پیشنهاد می کند. این نظام، برای مردم جایگاهی متفاوت، اما واقعی ترسیم می کند. در این راستا، اگرچه خداوند انسان را تکوینا آزاد آفریده است و او در انتخاب هر دینی مجبور نیست، تشریعا موظف است که دین حق را که خواسته ی فطرت پاک و الهی اوست بپذیرد. بنابراین، اگرچه اسنان تکوینا موجودی مجبور نیست، آزادی او در دایره دین الهی و دستور های حیات بخش آن است و نه فوق آن (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۳۱).

در اندیشه اسلامی، بر خلاف اندیشه لیبرالی، حد بنیادی و خودآیینی بشر نفی شده است. اسنان موجودی است که همواره نیازمند هدایت الهی است، در حالی که در اندیشه معاصر، انسان موجودی خودمختار و خود آیین معرفی می شود، انسان میان دو بی نهایت قرار دارد؛ او موجود مختار است که از سویی شایستگی دریافت وحی و الهام الهی را دارد و از سوی دیگر می تواند سقوط شدیدی داشته باشد. در مبنای معرفت شناسی نیز، در حالی که جهان بینی مادی، علم تجربی مهم ترین معیار شناخت به شمار می رود، در جهان بینی الهی، عقل، حس، وحی و شهود از منابع شناخت محسوب می شوند. بر اساس مبانی بیان شده و اثبات این نکته که عقل بشری برای رسانیدن انسان به سعادت، کافی نیست، خداوند به عنوان مقنن و حاکم اصیل، در زمان حضور معصومان (ع)، ایشان را به عنوان تبیین کننده ی قوانین الهی برای بشر نصب کرده و در زمان غیبت آنان، فقیه عادل را به صورت نصب عام برای این مقام، تعیین کرده است. بر این اساس، می توان از تشکیل الگویی سه ضلعی متشکل از عناصر (خداوند- دولت- ملت) یاد کرد که خداوند در راس آن قرار گرفته است و در طول قدرت الهی، دولت یا حکومت اسلامی تشکیل می شود و مردم نیز در این میان، حقوق و تکالیفی دارند. از مهم ترین نتایج این نگرش در بحث حقوق شهروندی، این است که باید چارچوب های اصلی حقوق شهروندی، برآمده از عقاید، احکام و اخلاق اسلامی باشد. همچنین، التزام به این حقوق شهروندی توسط حاکم اسلامی، امری کاملا مرتبط با مشروعیت

قدرت اوست، چرا که واضح این حقوق، خداوند متعال است و نقض آن موجب زوال صفاتی چون عدالت و تقوا می شود (محسنی و عبدالهی، ۱۳۹۲: ۳۵-۳۲).

۶. انقلاب اسلامی ایران و حقوق شهروندی در حوزه عملی

مسئله مهم ترین سند قانونی در هر کشور قانون اساسی آن است. به همین دلیل، کمتر از یک سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، قانون اساسی به عنوان تجلی مفهوم حقوق شهروندی که بازگو کننده حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ملت ایران بود، به تصویب رسید. در نتیجه، حقوق شهروندی در حوزه عملیاتی در قانون اساسی به صورت آشکارا بازگو و از طرف قانونگذاری مورد حمایت واقع شد. در قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، با تاکید ویژه بر غیر قابل سلب بودن آزادی های مشروع مردم (اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم، در جلوه های گوناگون، ترسیم شده است. در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول ۱۹ - ۴۲) در عناوین مختلف برابری، آزادی، امنیت حقوقی و قضائی و برخورداری از حقوق مختلف مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی غیر قابل سلب مقرر و آزادی افراد تا آن حد که به حقوق و آزادی دیگران و ارزش های جامعه ضرری نرساند، وسیعاً مورد تاکید قرار گرفته است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۱۷-۲۱۵). در بعد عملی تاثیر گذاری انقلاب اسلامی ایران بر تحول حقوق شهروندی در جامعه ایران می توان نتیجه گرفت که، این تاثیر گذاری در دو حوزه به صورت اساسی مشهود بوده است. در حوزه نخست، انقلاب اسلامی ایران با تاکید بر برابری، که در قانون اساسی نمود پیدا کرد، گام اساسی در تحقق حقوق شهروندی در بعد عملی برداشت. در صورتی که به ندرت در طول تاریخ سیاسی ایران، برابری در ابعاد سیاسی، اجتماعی و آزادی های فردی وجود داشته است. حتی علی رغم تاکید مشروطیت و قانون اساسی مصوب آن، برابری افراد در حوزه عملی جایگاه چندانی نداشت. اما انقلاب اسلامی ایران با گسترش برابری و عدالت به همه ابعاد زندگی جامعه ایران، زمینه فراهم شدن یکی از زیر بناهای اصلی حقوق شهروندی را فراهم نمود. در بعد دوم، انقلاب اسلامی ایران با به رسمیت شناختن سیستم احزاب، البته در چهارچوب شرع اسلامی، زمینه مشارکت سیاسی بیشتر جامعه ایران را نسبت به نظام های سیاسی گذشته فراهم نمود. البته هر چند، احزاب سیاسی در دوره های قبلی بخصوص دوره پهلوی وجود داشت، ولی در عمل، تنها احزاب وابسته به دربار توانایی ورود به جریانهای سیاسی و به دست گیری قدرت را داشتند. اما قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران متأثر از انقلاب اسلامی، زمینه مشارکت گسترده احزاب را فراهم نموده است، که با دوره های تاریخی قبل در جامعه ایران تفاوت اساسی دارد. از طرف دیگر، باید این نکته را در نظر داشت که در هر کشوری با توجه به نوع حکومت و سایر ویژگی های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، با توجه به مقتضای شرایطشان، قانون اساسی متفاوت است و به صورت متفاوت، تعدادی از امور به عنوان تکالیف شهروندی پذیرفته شده است و طبیعتاً حقوق و تکالیف منحصر به فردی وجود دارد که ممکن است با موارد مشابه در سایر کشورها متفاوت باشد (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۳: ۱۰۷).

در جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به ویژگی های خاص یک نظام مبتنی بر هویت اسلامی و ایرانی، طبیعی است که تکالیف شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متفاوت از سایر کشورها باشد، تا جایی که حتی موارد مشترک لفظی، از نظر مفهومی تفاوت داشته باشند. همچنین علاوه بر تکالیف متعارف، یک سری تکالیفی مقرر شود که در دین مبین اسلام مورد تأکید قرار گرفته است. البته همه تکالیف شرعی و عرفی قابلیت نام گذاری به تکالیف شهروندی را ندارند و تکالیفی که از جنبه اخلاقی فراتر رفته و از ویژگی قواعد حقوقی لازم الاجرا یعنی ضمانت اجرا برخوردار باشند و در قانون اساسی از آن ها ذکر شده باشد؛ مورد نظر هستند. اکثر این موارد نیز به تکالیف فرد در برابر سایر مردم یا جامعه دلالت دارند که بنا به تعریف تکالیف شهروندی، از حیطه تکالیف شهروندی خارج هستند. به طور مثال بند ۶ قانون اساسی محور هر گونه انحصار طلبی را مقرر می کند و یا بند ۱۵ همان اصل امر به «توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم» می کند که هر دو یک تکلیفی را برای مردم نسبت به یکدیگر مقرر می کنند، اما در عمل جنبه الزام آوری ندارند. همچنین، تکلیف مسلمانان نسبت به رفتار انسانی با غیر مسلمانان، نیز از سایر وظایف اجتماعی است که بر اساس اصول ۱۳ و ۱۴ مقرر شده است. اصول بیست و دوم، بیست و سوم و بیست و پنجم نیز بر مصونیت اشخاص از تعرض، منع تفتیش عقاید و هر گونه تجسس مگر به حکم قانون تأکید دارد. اما هیچ یک واجد تکلیفی در برابر دولت نیستند و از دایره بحث خارج اند زیرا تکالیفی که به واسطه رابطه شهروندی و مستقیماً بر عهده شهروندان است مورد نظر قرار گرفته و از تکالیفی که می توان آن ها را غیرمستقیم برای شهروندان در نظر گرفت اجتناب شده است؛ زیرا در آن صورت می توان بخشی از هر یک از تکالیف دولت و یا حقوق

ملت را مرتبط با تکلیفی جزئی برای برخی شهروندان دانست. البته برخی از این تکالیف در عین حال جزو حقوق شهروندی نیز محسوب می شوند؛ مثلاً شرکت در تعیین سرنوشت سیاسی. همچنین باید در نظر داشت که رویکرد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در برخی از عناوین مورد پذیرش سایر کشورها متفاوت است؛ مثلاً آنچه در سایر کشورها به نظارت عمومی تعبیر می شود در قانون اساسی ایران وجود ندارد اما چنین موضوعی با تفاوت مفهوم، تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر بیان شده است یا آنچه تحت عنوان حفظ امنیت و عدم اخلال در نظم عمومی جامعه از آن یاد می شود مقارن آن در قانون اساسی ما حفظ آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی است. همچنین علی رغم ذکر تکلیف شهروندان در لزوم حفاظت از محیط زیست در قانون اساسی به چنین تکلیفی جهت حفظ میراث فرهنگی اشاره ای نشده و نیز الزام به انجام خدمت وظیفه برای مردان صراحتاً در قانون اساسی ذکر نشده اما می توان به صورت غیرمستقیم آن را از اصولی از قانون اساسی استنباط کرد. اما در کل نکته ای که نباید از نظر دور داشت این است که تمام تکالیف شهروندی منبعث از پذیرش حاکمیت و نظام حکومتی است و مهم ترین اثر

آن، احترام به قوانین و مقررات است که به نوعی عام الشمول و دربرگیرنده سایر موارد است؛ زیرا سایر تکالیف شهروندی ریشه در یکی از همین قوانین یا مقررات دارند و مصداق بارز این قوانین نیز، قانون اساسی است.

به عنوان مثال، حفظ آزادی شهروندان علاوه بر این که یکی از مهم ترین وظایف حاکمیت است، بدون همکاری شهروندان محقق نخواهد شد. یعنی این تنها دولت نیست که ممکن است با سوءاستفاده از قدرت آزادی های اساسی شهروندان را تهدید کند؛ بلکه خود شهروندان نیز می توانند عاملی برای از بین بردن آزادی یکدیگر باشند؛ لذا به حکم اصل نهم کسی حق سلب آن ها را نخواهد داشت. همچنین استقلال یکی از مقدس ترین امور برای یک کشور محسوب می شود. استقلال به عنوان پیش شرطی برای تحقق بسیاری از ملزومات زندگی اجتماعی مانند امنیت، آزادی، اشتغال و رونق اقتصادی و غیره مطرح است. لذا هیچ شهروندی حق ندارد به استقلال کشور حتی به بهانه بهره مندی از آزادی خدشه وارد کند. این امر در ذیل اصل نهم قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. همین طور وحدت و تمامیت ارضی از مهم ترین امور حاکمیت می باشند و شهروندان نیز در یک بستر قانونی در حکومت مشروع موظف به حفظ و دفاع از این ارزش ها هستند. از آنجایی که در هر حکومت اسلامی، نقش

اصلی و کلیدی را مردم آن حکومت ایفاء خواهند کرد. لذا قانون اساسی نیز حراست و حفاظت از اصول ملی را از وظایف اصلی و مهم آحاد ملت برشمرده است و به نقش اساسی و کلیدی ملت در کنار دولت اسلامی پرداخته است (شعبانی، ۱۳۸۸: ۹۰-۹۲).

یکی از حقوق ملت، حق مشارکت در امور سیاسی و عمومی کشور و اداره برخی از امور عمومی است که شهروندان باید از این حق بهره ببرند. نمود بارز اعمال چنین حقی در انتخابات و رای گیری تبلور پیدا می کند. حق رای در عین حالی که از نظر بسیاری، از جمله حقوق مسلم هر شهروند محسوب می گردد، در زمره مسئولیت های شهروندی نیز به حساب می آید. در این بای، در قرن هیجدهم دو نظام اندیشه ای متفاوت در برابر هم قرار گرفتند. دسته ای رای دادن را حق افراد می دانستند و دسته ای دیگر آن را یک تکلیف از سوی شهروندان تعبیر می کردند. لذا، برخی از کشورها شرکت در انتخابات و رای دادن را علاوه بر حق، تکلیفی برای شهروندان در نظر گرفته و عدم اجرای آن را مستحق مجازات دانستند. به عنوان نمونه می توان به کشور بلژیک اشاره کرد که رد اصل شصت و دوم قانون اساسی رای دادن را امری اجباری معرفی کرده است. اما قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با به رسمیت شناختن حق رای شهروندان، « در عین حال که نظام حکومتی را مبتنی بر مبانی دینی بیان کرده؛ بر نقش مردم در ایجاد و ادامه حکومت و اثر گذاری رای و خواست آنها در اداره امور مملکت نیز تاکید کرده است و در اصول مختلفی به این مهم پرداخته است. از جمله این اصول عبارتند از: اصول ۶، ۷، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۱۰۰، ۱۱۴، و ۱۱۷ که بر اساس آنها، اعمال حق رای و مشارکت سیاسی مردم تامین می شود. اما بند هشتم اصل سوم قانون اساسی بر « مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» تاکید دارد و به نوعی آن را از تکالیف شهروندان قرار داده تا امور کشور بر اساس خواست مردم اداره شود. زیرا می توان فرضی را متصور شد که هیچ یک از شهروندان به این اصل عمل نکنند آنگاه اجرای این بند متوقف خواهد شد و این خلاف منظور قانون اساسی است. لذا تلقی تکلیف از این امر به منظور و هدف مقنن نزدیک تر خواهد بود (جاوید و ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۳۸-۳۹).

در نهایت، می توان به مواد منشور حقوق شهروندی که در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۹۵ با امضای رئیس جمهور انتشار یافت، به نمودهای حقوق شهروندی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. از جمله:

ماده ۱۵- شهروندان به شکل برابر از حق مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش برخوردارند و می توانند این حق را از طریق همه پرسی یا انتخابات آزاد و منصفانه اعمال کنند.

ماده ۱۶- شهروندان برای مشارکت و نظارت در فرآیند انتخابات، برخورداری از امکانات و امتیازات دولتی (از جمله یارانه، تبلیغات رادیویی، تلویزیونی و مانند این ها)، بهره مندی از کمک های مردمی و سایر روش های تأمین هزینه های انتخاباتی، شکایت و اعتراض به تخلفات انتخاباتی نزد مقامات صلاحیت دار، از حقوق برابر برخوردارند.

ماده ۱۷- تصمیمات، اقدامات یا اظهارات مقامات و مسئولان دولتی، عوامل اجرایی و نظارتی و مأمورین نظامی، انتظامی و امنیتی پیش از انتخابات، در جریان بررسی شرایط نامزدهای انتخاباتی و پس از انتخابات باید کاملاً شفاف، بی طرفانه و قانونمند باشد به گونه ای که حتی شائبه تقلب یا تخلف، یا حمایت از نامزد یا نامزدهای خاص به وجود نیاید.

ماده ۱۸- صداوسیما و همه رسانه هایی که از بودجه یا اموال عمومی استفاده می کنند، باید بی طرفی کامل را در مراحل مختلف انتخابات رعایت کنند تا شائبه حمایت از نامزد یا نامزدهای خاص به وجود نیاید.

ماده ۲۵- شهروندان از حق آزادی اندیشه برخوردارند. تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرارداد.

ماده ۲۶- هر شهروندی از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید در چارچوب حدود مقرر در قانون اعمال شود. شهروندان حق دارند نظرات و اطلاعات راجع به موضوعات مختلف را با استفاده از وسایل ارتباطی، آزادانه جستجو، دریافت و منتشر کنند. دولت باید آزادی بیان را به طور خاص در عرصه های ارتباطات گروهی و اجتماعی و فضای مجازی از جمله روزنامه، مجله، کتاب، سینما، رادیو، تلویزیون و شبکه های اجتماعی و مانند این ها طبق قوانین تضمین کند.

ماده ۲۷- شهروندان حق دارند اندیشه، خلاقیت و احساس خود را از طرق مختلف آفرینش فکری، ادبی و هنری با رعایت قوانین و حقوق دیگران بیان کنند.

ماده ۲۸- شهروندان از حق نقد، ابراز نارضایتی، دعوت به خیر، نصیحت در مورد عملکرد حکومت و نهادهای عمومی برخوردارند. دولت موظف به ترویج و گسترش فرهنگ انتقادپذیری، تحمل و مداراست.

ماده ۲۹- دولت از آزادی، استقلال، تکثر و تنوع رسانه‌ها در چارچوب قانون حمایت می‌کند. هیچ مقامی حق ندارد برخلاف موازین قانونی برای انتشار یا عدم انتشار اطلاعات یا مطالب درصدد اعمال فشار بر مطبوعات و سایر رسانه‌ها برآید یا به سانسور یا کنترل نشریات و سایر رسانه‌ها مبادرت نماید(منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵: ۳-۱).

در پایان باید استدلال کرد که مسئولان و قانون‌نویسان جمهوری اسلامی با استناد به کتاب و سنت و با درج قوانین مبتنی بر کتاب و سنت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق شهروندی را بر پایه اصل احترام و ارزش به کرامت والای انسانی، مورد توجه قرار داده‌اند. فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی گامی بود در جهت عینی‌سازی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برای تداوم آن لازم است راه‌کارهای آموزشی در سطوح خاص در نظر گرفته شود. همچنین، شهروند جمهوری اسلامی بر پایه اصول و قواعد فقهی نمی‌تواند مانند شهروند مصطلح رفتار کند؛ چون قاعده تعظیم شعائر اسلامی به شهروندان در جمهوری اسلامی - که بر پایه ایمان و آیمان شهروند شده‌اند - اجازه نمی‌دهد همانند شهروند مصطلح آزاد باشند و در ملاء عام دست به کاری خلاف شعائر اسلامی بزنند. شهروندان از حقوقی برخوردارند: حقوق مدنی (مثل بیان عقیده)، حقوق سیاسی (مثل مشارکت سیاسی) و حقوق اجتماعی (مثل برخورداری از عدالت و امنیت)؛ البته تا آن‌جا که رفتار شهروندان مخرب و برهم‌زننده نظم، امنیت و مصالح کشور و برخلاف قوانین شرع و جمهوری اسلامی نباشد. در جمهوری اسلامی نقش شهروندان تعیین شکل حکومت و نظارت بر رفتارهای حکومت است؛ بنابراین رأی اکثریت ملاک عملی است؛ اما محتوا و محور همه امور، قوانین اسلامی است؛ یعنی شهروندان در حکومت اسلامی نمی‌توانند به مخالفت با قوانین اسلامی اقدام کنند. جمهوری اسلامی حاکمیت شهروندان را با محوریت دین و احکام اسلامی می‌پذیرد؛ بنابراین امام خمینی(ره) با تأکید نظری و عملی به ایفای نقش شهروندان در حکومت اسلامی، اعم از تعیین نوع نظام، تأیید قانون اساسی و انتخاب حاکمان و نمایندگان، بر ایفای نظارت بر حقوق شهروندان تأکید می‌کند.

۷. نتیجه گیری

انقلاب اسلامی ایران به شکل اساسی باعث تغییر در ابعاد، رویه ها و مفهوم شهروندی در جامعه ایران شده است، که در دو قالب کلی قابل بررسی است. نخست، انقلاب اسلامی ایران با گسترش ساز و کارهای مشارکت مردمی در نظام سیاسی، باعث گسترده نمودن ابعاد حقوق شهروندی در جامعه ایران شده است. در واقع، تاکید انقلاب اسلامی ایران بر همه گیر بودن و مردمی بودن نظام سیاسی، نظام سیاسی را به عنوان یک نهاد مسئولیت پذیر و پاسخگو در نظام اجتماعی ایران نهادینه نمود که در نهایت منجر به افزایش حقوق شهروندی شده است. از طرف دیگر، تقویت گفتمان هایی همچون عدالت محوری در اندیشه ها و آرمان های انقلاب اسلامی، منجر به تقویت جایگاه حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران شده است. به عبارتی، گفتمان عدالت محور با تاسیس نهادهای مردم نهاد همچون مجلس شورای اسلامی و نهاد قوه قضاییه به عنوان ضامن حقوق شهروندی، گام هایی بزرگی در این مسیر برداشته است، و باعث حضور گسترده تر شهروندان در رویه های سیاسی برای ایفای نقش در قالب حقوق شهروندی و دفاع از حقوق شهروندی شده است.

دوم، انقلاب اسلامی ایران باعث با به مرکز آوردن عنصر مذهب، باعث تغییر در مفهوم و ماهیت حقوق شهروندی شده است. تا قبل از انقلاب اسلامی ایران، حقوق شهروندی در قالب حق مشارکت مردم در فرایندهای سیاسی هر چند به صورت ظاهری تعریف شده بود، و همچنین نظام سیاسی پهلوی سعی در ترکیب ماهیت شهروندی با باستان گرایی در قالب شاهنشاه گرایی داشت. در واقع، شاهنشاه در راس امور قرار می گرفت، و به عنوان یک حق بزرگ، صلاحیت تعیین فرایندهای سیاسی را بر عهده می گرفت، و عامه مردم نیز در حاشیه قرار می گرفتند. اما انقلاب اسلامی ایران، با شکل دهی به نظام مردم سالاری دینی، دین را در راس امور و بالاتر از اشخاص قرار داد، و سازوکارهای جدیدی برای حقوق مردم در یک نظام سیاسی دینی که تعلق به یک شخص یا طبقه خاص نداشت، ایجاد کرد. در واقع، انقلاب اسلامی ایران در کنار گسترده کردن ابعاد حقوق شهروندی، باعث تغییر مفهوم حقوق شهروندی از یک شهروند تبعه محور با محوریت شاهنشاه گرایی، به یک شهروند مذهب محور با محوریت دین اسلام شد.

همچنین، در بستر فرهنگ دینی، مبنای شهروندی در گفتمان امام خمینی (ره) مبتنی بر اسلام ناب محمدی است. ایشان در تمیز اسلام واقعی مورد تایید خود با اسلام آمریکایی از این تعبیر استفاده کردند. از این رو هرگونه مبنای شهروندی در جامعه اسلامی می بایست مبتنی بر اسلام اصیل باشد. در قرائت امام خمینی (ره) از اسلام ناب دیانت و سیاست با هم آمیخته اند. هرچند در تعابیر مختلف امام خمینی (ره) بر نقش

مردم نیز در نظام اسلامی تاکید شده است، اما محوریت اصلی مشروعیت الهی حاکم است. از دیدگاه امام خمینی (ره) حقوق شهروندی بر اساس الگوی اسلام ناب محمدی است و مشروعیت حکومت نیز منشاء الهی دارد. همچنین، از این دیدگاه، رویکرد سلطه ستیز امام خمینی (ره)، مبنای شهروندی و حقوق بشر غربی را به نفع یک نظام حقیقت طلب دینی به چالش کشیده است. در واقع، از دیدگاه امام خمینی، مفاهیم غربی حقوق شهروندی و حقوق بشر، نه به عنوان یک حقیقت، بلکه محصول برسازای نظام سلطه بوده است، و این برسازای باید به نفع حقیقت انسانی، یعنی تعالی انسان در چهارچوب یک نظام دینی، تغییر نماید.

کتابنامه

- احمدی طباطبایی، سید محمد رضا (۱۳۸۸) حقوق شهروندی با تاکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره هشتم.
- افروغ، عماد (۱۳۸۷). **حقوق شهروندی و عدالت**. چاپ اول. تهران: انتشارات سوره مهر.
- بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۶) جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- پور عزت، علی اصغر، قلی پور، آرین، باغستانی برزکی، حوریه (۱۳۸۸). "رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخگویی و شفافیت سازمان ها"، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸.
- جاوید، محمد جواد و ابراهیمی، محمود (۱۳۹۲) تکالیف شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه بررسی های حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۲، صص ۴۶-۲۵.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹) ولایت فقیه؛ ولایت فقاها و عدالت، قم، نشر اسراء.
- حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران (۲ آذر ۱۳۹۰) برگرفته از:
<http://www.aftabir.com/articles/view/social>
- خزائی، احمدرضا (۱۳۹۵): «تحلیل زمینه های حقوق شهروندی در نهج البلاغه»، فصلنامه پژوهش دینی، شماره ۳۳، پاییز و زمستان.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۸) صحیفه امام، جلد دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خوئینی، غفور (۱۳۸۶). **حقوق شهروندی و توسعه پایدار**. چاپ اول. تهران: نشر فرهنگ صبا.
- شعبانی، قاسم (۱۳۸۸) حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات اطلاعات.
- صمیمی، مینو (۱۳۶۹) پشت پرده تخت طاووس، تهران، انتشارات اطلاعات.

- عبادی، صادق (۱۳۹۱). "عوامل محرک جامعه و تاریخ درنگرش امام خمینی (ره)"، در مجموعه مقالات مروری بر اندیشه های سیاسی - اجتماعی امام خمینی (ره)، چاپ اول، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ و نشر عروج.
- عباسی، محمد و دیگران (۱۳۹۵) تاملی بر جلوه های حقوق شهروندی در قرآن و نهج البلاغه، فصلنامه اخلاق زیستی، سال ششم، شماره بیست و یکم.
- عصمتی، حمید، حسن زاده گرجی، فرشته (۱۳۸۹). **حقوق ملت در قانون اساسی مشروطیت و جمهوری اسلامی ایران**. چاپ اول. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- علیا، ساجده (۱۳۹۰). "جایگاه حقوق شهروندی در عصر هخامنشیان"، فصلنامه تعالی حقوق، سال چهارم، شماره های ۱۳-۱۴.
- عیوضی، محمد رحیم، باب گوره، سیدحسام الدین (۱۳۹۱). "تحول مفهوم شهروندی و ظهور شهروندی جهانی"، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۳. فتحی واجارگاه، کوروش و واحد چوکده، سکینه (۱۳۸۸). **آموزش شهروندی در مدارس**. چاپ اول. تهران: نشر آیین.
- فردوست، حسین (۱۳۸۲) ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، انتشارات اطلاعات.
- فولادزاده، عبدالامیر (۱۳۶۹) شاهنشاهی پهلوی در ایران، قم، کانون نشر اندیشه اسلامی.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۳) حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، نشر میزان.
- قرهباغی، عباس (۱۳۶۸) اعترافات ژنرال: خاطرات ارتشبد عباس قرهباغی، تهران، نشر نی.
- کاستلز، استفان و دیوید سون، آلیستر (۱۳۸۲) مهاجرت و شهروندی، ترجمه: فرامرز تقی لو، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- متانی، مهرداد، فلاح، علی، باقری، سمیه (۱۳۹۰). "تبیین حقوق شهروندی از منظر امام خمینی (ره)"، در نخستین همایش همایش ملی آرمان شهر ایران.
- مجتبی زاده، عبدالکاسم (۱۳۸۶) فساد در رژیم پهلوی دوم، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- محسنی، رضا علی (۱۳۸۹). "ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی"، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۱۰.
- محسنی، فرید و عبداللهی، حسین (۱۳۹۲) نقد مبانی حقوق شهروندی لیبرالی با تاکید بر جایگاه مردم در نظام حقوقی اسلام، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۶.
- منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵) برگرفته از:
<http://www.entekhab.ir/fa/news/>
- موسوی بجنوردی، سید محمد و مهریزی ثانی، محمد (۱۳۹۲) حقوق شهروندی از نگاه امام خمینی، پژوهش نامه متن، شماره ۶۱.

انقلاب اسلامی و تحول مفهومی حقوق شهروندی در ایران ۱۸۵

مهر محمدی، محمود (۱۳۷۷). "آموزش و پرورش و جامعه مدنی"، مجله پژوهش های تربیتی، ج ۶، شماره ۳-۴.

نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۷). شصت سال خدمت و مقاومت، ج ۱ تهران، انتشارات رسا.
هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادیهای اساسی. چاپ اول. تهران: نشر میزان.

Mclean, Iane (1993), Oxford concise dictionary of Politics, Landen: Oxford University Press.